

مسیر انقلاب در ایران



فرامرز دادور

زنان و مردان نوجوان و بزرگسال از همه طبقات، بویژه توده های زحمتکش و محروم در خیابانها و اماکن عمومی، جامعه ایران را به یک زلزله عظیم انسانی برای آزادی و عدالت تبدیل نموده اند. در این مقطع انقلابی مهم است که به وجود فراطبقاتی بودن خیزش سراسری واقف بوده، حمایت و همبستگی با جنبش گسترده مردم را حول محور هدف اساسی یعنی عبور از نظام کنونی و شعارهای دمکراتیک متناسب با آن انجام داد. بدیهی است که خواست اصلی مردم در این مقطع، نفی جمهوری اسلامی و استبداد حکومتی در راستای استقرار آزادی، دمکراسی، عدالت اقتصادی/اجتماعی و جمهوری مردمی میباشد. علامتها و ایده های مطرح در راستای نیل به آرمان فوق مانند "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتوری" و "مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر" نشاندهنده ماهیت ضد استبدادی، آزادیخواهانه و عدالتجویانه در قیام آغاز گردیده از سوی جنبش سراسری توده ای میباشد و طبق گفته نرگس محمدی، زندانی سیاسی و فعال حقوق بشر "گذار از نظام، خواست مردم ایران است".

در رابطه با نکات ذکر شده در بالا مهم است که افراد، تجمعات و سازمانهای حامی مبارزات مردم، پشتیبانی و کنشهای سیاسی خود را بر روی تمرکز بیشتر بر روی آماج مشترک مانند نفی نظام دیکتاتوری و استقرار نظامی دمکراتیک، متکی بر انتخابات آزاد و زمینه ساز برای مشارکت مستقیم و غیر مستقیم توده های مردم در سرنوشت اجتماعی خود، به پیش ببرند. هم اکنون زنان و مردان، بویژه دختران آزاده ایران، عمدتاً برخاسته از طبقات و اقشار فرودست جامعه، خواسته های آزادیخواهانه خود را با قدرت فزاینده بیان میکنند. فعالان مرتبط با جنبشهای مردمی در میان آنها زنان، معلمان، فرهنگیان، کارمندان، بازنشستگان و کارگران ایده های مربوط به آمال اقتصادی و اجتماعی عادلانه و آزادیخواهانه خود را به عرصه عمومی کشانده اند. علاوه بر شعارهای رادیکال در عرصه خیابانها، کانونهای و انجمنهای صنفی اجتماعی نیز تقابل با رژیم را در اشکال مختلف جلو میبرند. در بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان در افشاگری از "حاکمان فریبکار و قدرت طلب" که میخواست روز 13 آبان را به عنوان "روز دانش آموز" اعلام کنند، در حین پخش لیست کودکان و دانش آموزان به قتل رسیده توسط ماموران امنیتی، گفته شد که "اعمال ننگین" و "تجاوز به حریم مدرسه" که از سوی حاکمان انجام میگردد "با هیچ آبی پاک نخواهد شد".

جنبش انقلابی ایران که هم اکنون شبکه ها و نهادهای خیابانی و مدنی را در بر گرفته با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی برخاسته است. سوال اساسی این است که آیا این جنبش چگونه انسجام سیاسی یافته و چه دورنمای بلافاصله ساختاری برای جامعه در بعد از پیروزی انقلاب خواهد داشت. هم اکنون در میان اپوزیسیون بسیار پراکنده، کنشگران ایده های مختلفی را تبلیغ میکنند. طیفهای مرتبط با جریان سلطنت در اشکال متنوع بر این اتکا میکنند که بعد از سرنگونی نظام فعلی، مردم از طریق مجلس موسسان تصمیم خواهند گرفت که جمهوری و یا سلطنت مشروطه استقرار یابد. بدیهی است که در صورت پیروزی انقلاب، اگر توده های مردم مشارکت خلاق نداشته باشند، این گرایشات سلطنت طلب و قدرتهای خارجی مدافع آنها خواهد بود که با اقتدار بسیار در برقراری نظام موروثی و غیر دمکراتیک نقش خواهند داشت. مجاهدین نیز با آلودگی به قدرتهای ارتجاعی منطقه و جهان از اعتبار مردمی برخوردار نیستند. آنچه که در پیش روی جنبش مردمی قرار میگیرد، ظهور یک اتحاد دمکراتیک از میان کنشگران و گروه

های مستقل، ملی و چپ است که بتوانند بر اساس حداقلی از یک پلاتفرم مترقی در جایگاه هدایت انقلاب بسوی ایجاد نظامی دمکراتیک، عادلانه و با ساختار بلافاصله جمهوری لائیک و حقوق بشری قرار بگیرند.

بسیاری از فعالان و تلاشگران در جنبش دمکراتیک و انقلابی کنونی که در جهت براندازی جمهوری اسلامی حرکت میکنند، لزوماً از اندیشه های ایدئولوژیک و فرموله شده برخوردار نیستند، در عین اینکه عمدتاً خواستار جدائی دین از حکومت و ایجاد دمکراسی، آزادی انتخابات و حقوق دمکراتیک بوده مخالف دخالت سیاسی و نظامی از سوی قدرتهای خارجی میباشند. به احتمال زیاد این بخش از حامیان مردمی را میتوان در چارچوب گرایشات چپ، ملی و آزادیخواه ارزیابی نمود. پرسش عمده این است که با توجه به اینکه اکثریت مردم خواستار عبور از نظام فعلی هستند، اما هنوز مبارزات خود را به نوعی پراکنده در حیطه تجمع های محلی و منطقه ای و تنوعی از خیزشهای جنبشی ضد نظام به پیش میبرند، آیا چگونه میتوانند به اتحادی فراگیر و سازمان یافته برای سرنگونی دست یابند. البته در این شکی نیست که تجمعیهای مردمی در اشکال کانونها، انجمنهای اجتماعی و کمیته های کارگری در اشکال سازماندهی درگیر هستند و از جمله میتوان به بیانیه مشترک اخیر از سوی 3 تشکل کارگری (سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و گروه اتحاد بازنشستگان) به مناسبت 16 آذر، روز دانشجو اشاره نمود. اما این تلاشهای ستایش انگیز بخودی خود کافی نیست و حرکت اجتماعی در مسیر پیروزی انقلاب حتی در سطح بلافاصله سیاسی به وجود جبهه ای از سازمانهای سیاسی دمکراتیک و آزادیخواه و از جمله سوسیالیستها و ملیون که دارای استراتژی مبارزاتی و برنامه های حداقلی برای گذار به یک جامعه دمکراتیک باشند، احتیاج دارد.

یکی از تجربیات در میان حامیان و فعالان آزادی و عدالت اجتماعی، در داخل و خارج از کشور این بوده است که با توجه به وجود تفرقه و انشعابات متعدد، بخشهایی از کنشگران با وجود اختلافات ایدئولوژیک و استراتژیک، در کمیته های جغرافیائی محدود (ب.م. محله ای، شهری و منطقه ای) عمدتاً تحت عنوان کمیته، انجمن و کانون فعالیتهای عملی حول محور سیاستهای دفاعی بی پیش برده اند. بر این اساس یکی از راهکارها میتواند بر پایه ایجاد و یا تغییر سیر کنشگریها در جهت پشتیبانی محلی از شکلگیری جبهه ای

وسیع و هدفمند در داخل و خارج از کشور در راستای سرنگونی
جمهوری اسلامی و تلاش برای برپائی مجلس موسسان جهت استقرار
بلافاصله یک جمهوری ملی و سکولار باشد.

فرامرز دادور

6 دسامبر 2022